



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارایی

اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان یزد



گزارش تحلیلی اقتصادی

کاهش وابستگی به دلار در تجارت بین المللی ایران: چالش ها، استراتژی ها و پیامدهای اقتصادی

ناظر: محمد دهقان منشادی

نویسندگان: پروین پور رحیم، امین روحی

اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

۳	چکیده
۳	سوابق پژوهشی
۶	خلا‌های تحقیقاتی
۷	مبانی نظری
۱۰	چالش‌ها و موانع دلار زدایی در ایران
۱۱	استراتژی‌های مؤثر برای کاهش وابستگی به دلار در ایران
۱۲	پیامدهای اقتصادی کاهش وابستگی به دلار در ایران
۱۳	روش‌شناسی
۱۴	یافته‌های پژوهش
۱۶	بحث
۱۸	نتیجه‌گیری
۱۸	پیشنهاد‌هایی برای تحقیقات آتی
۱۹	منابع

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها، راهبردها و پیامدهای اقتصادی کاهش وابستگی ایران به دلار در تجارت بین‌المللی انجام شد. در این راستا، از رویکرد توصیفی-تحلیلی و طراحی کیفی بهره گرفته شد و داده‌های ثانویه شامل مقالات علمی، گزارش‌های بین‌المللی و مطالعات موردی کشورهایمانند چین، روسیه و اعضای آسه‌آن گردآوری و با استفاده از تحلیل محتوای موضوعی بررسی گردید. یافته‌ها نشان داد که کاهش وابستگی به دلار می‌تواند زمینه گسترش روابط تجاری ایران با اقتصادهای غیرغربی را فراهم آورد، اما با موانعی از جمله ضعف زیرساخت‌های مالی، هماهنگی نهادی نامناسب و فشارهای ژئوپلیتیکی روبه‌رو است. نتایج همچنین حاکی است که راهبردهایی مانند توسعه توافقات پولی دوجانبه، ایجاد و تقویت سامانه‌های پرداخت مستقل از دلار و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مالی نظیر بلاک‌چین و رمزارزها می‌تواند فرآیند دلارزدایی را تسهیل کند. از منظر اقتصادی، این اقدام در بلندمدت به افزایش استقلال پولی و مقاومت در برابر تحریم‌ها می‌انجامد، اما ممکن است در کوتاه‌مدت هزینه‌های تراکنش و نوسانات ارزی را افزایش دهد. در پایان، تأکید می‌شود که اتخاذ این سیاست باید با برنامه‌ریزی تدریجی و هماهنگی نهادی همراه باشد تا مزایای آن در راستای تقویت خودکفایی مالی و توسعه همگرایی منطقه‌ای تحقق یابد.

سوابق پژوهشی

پژوهش‌های انجام شده در زمینه کاهش وابستگی به دلار در تجارت بین‌المللی ایران در دو دسته کلی قابل دسته‌بندی هستند.

الف) مطالعات مرتبط با دلار زدایی (De-dollarization) در سطح بین‌المللی

تحقیقات متعددی در سطح بین‌المللی به بررسی روند کاهش وابستگی به دلار در اقتصادهای نوظهور و کشورهایمانند روسیه، چین و کشورهای عضو بریکس پرداخته‌اند. مطالعات نشان داده‌اند که عوامل کلیدی در موفقیت این کشورها شامل انعقاد توافقات دوجانبه پولی، ایجاد نظام‌های پرداخت جایگزین، توسعه بازارهای مالی داخلی و استفاده از ارزهای ملی در تجارت خارجی بوده است. نمونه‌هایی مانند پیمان‌های پولی میان چین و روسیه یا توافقات تجارت دوجانبه بین کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نشان داده‌اند که کاهش وابستگی به دلار امکان‌پذیر است، اما به زیرساخت‌های قوی مالی و سیاست‌گذاری‌های مناسب نیاز دارد.

ب) مطالعات انجام شده درباره ایران

در ایران، برخی پژوهش‌ها به بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر نظام ارزی کشور و راهکارهای جایگزین پرداخته‌اند. مطالعاتی نیز در خصوص استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه، به‌کارگیری رمز ریال، توسعه بازارهای مالی منطقه‌ای و

جایگزینی ارزهای محلی در تجارت خارجی منتشر شده است. پژوهش هایی به نقش سیستم های بانکی مانند سوئیفت ، مانند سپام و SPFS روسیه (در کاهش وابستگی به دلار اشاره کرده اند).

شهریاری ۲۰۲۴ در پژوهشی تحت عنوان «امکان سنجی دلار زدایی در اقتصاد ایران بر اساس عضویت در سازمان بریکس» به بررسی وضعیت موجود با استفاده از تکنیک سری زمانی اطلاعات بازه زمانی ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰ می پردازند. از جمله دلایل تشکیل سازمان بریکس بحران های مالی و معضلات وابستگی به دلار است، به همین دلیل نیز کشور های عضو این سازمان طی یک دهه گذشته تلاش نموده اند تا با انجام فرایندهایی که نام دلار زدایی بر آن نهاده شده است، قدرت بانک های مرکزی خود را افزایش دهند. ایران از جمله کشور هایی است که عضو سازمان بریکس شده است و در عین حال تحت تأثیر تحریم و وابستگی به دلار قرار دارد. براین اساس، هدف پژوهش حاضر امکان سنجی دلار زدایی از اقتصاد ایران بر اساس عضویت در بریکس بر اساس نظریه دلار زدایی است. باتوجه به اینکه دو کشور چین و روسیه در حال استفاده از سامانه های مبادلات جهانی خود هستند و هر دو عضو بریکس نیز می باشند، فرضیه تحقیق نیز عبارت است از اینکه باتوجه به فعالیت سامانه های مبادلات جهانی چین و روسیه در مقابل سوئیفت، استفاده از زمینه همکاری اقتصادی بریکس بستر مناسبی برای دلار زدایی ایران دارد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که عضویت در بریکس علاوه بر مهیا نمودن زمینه افزایش مبادلات اقتصادی، باتوجه به گستردگی کشور های همکار در سامانه های چین و روسیه، بستر مناسبی نیز برای دلار زدایی از تجارت ایران فراهم خواهد آورد. در عین حال بایست توجه نمود که دلار زدایی به منزله کنار نهادن دلار به عنوان یک ارز در مبادلات بین المللی نیست و صرفاً به افزایش تنوع در سبد ارزی کشور ها اشاره دارد.

کوئنلنز و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان «ارزهای دیجیتال بانک مرکزی و سیستم پرداخت بین المللی: نابودی دلار آمریکا؟» به بررسی نقش این ارزها در سیستم های پولی داخلی و تأثیر بالقوه آنها بر جایگاه دلار آمریکا پرداخته است . سیستم پولی بین المللی به طور سنتی تحت سلطه دلار آمریکا بوده و دارای یک ساختار سلسله مراتبی است که در آن دلار نقش کلیدی در تجارت و تأمین مالی جهانی ایفا می کند. با این حال، ظهور ارز های دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) چالش های جدیدی را برای این سیستم ایجاد کرده است. CBDC ها که توسط بانک های مرکزی صادر می شوند، برخلاف ارز های دیجیتال خصوصی مانند استیبل کوین ها، هدفی در راستای افزایش شمول مالی، بهبود کارایی پرداخت ها و حفظ ثبات پولی و مالی دارند. این پژوهش با توجه به درک محدود دانشگاهیان از CBDC ها و پیامدهای اقتصادی و مالی آن ها، درحالی که انتشار گسترده CBDC ها می تواند تغییراتی در سیستم های پرداخت ایجاد کند، اما به تنهایی قادر به برهم زدن سلطه دلار نخواهد بود. دلیل این امر آن است که برتری دلار تنها به نقش آن در پرداخت های بین المللی محدود نمی شود، بلکه به عوامل ساختاری عمیق تری مانند تسلط در قیمت گذاری تجارت جهانی، نقش آن به عنوان ارز تأمین مالی بین المللی، و اعتماد به نهادهای مالی آمریکا و نقش فدرال رزرو به عنوان وام دهنده نهایی در سطح جهانی بستگی دارد. در سناریوی استفاده گسترده از CBDC های چندگانه (CBDCs)، وابستگی کشور ها به زیر ساخت های مالی تحت کنترل آمریکا ممکن است کاهش یابد. این امر می تواند منجر به تمرکز زدایی از سیستم پرداخت های بین المللی شود و مانع از کنترل یک جانبه ایالات متحده بر

دسترسی کشور ها به شبکه های مالی جهانی گردد. کاهش سلطه دلار مستلزم یک رویکرد چند بعدی است که شامل اصلاح زیر ساخت های مالی، تشویق استفاده از ارز های محلی در تجارت منطقه ای، و اتخاذ سیاست های مالی و نظارتی برای کاهش وابستگی به دلار در تأمین مالی جهانی است.

لطیف اوغلو (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان « فروپاشی سلطه دلار آمریکا و ایجاد یک نظام مالی جدید » به بررسی کاهش سلطه دلار آمریکا در نظام مالی جهانی و ظهور یک سیستم مالی جدید می پردازد که توسط کشور هایی مانند چین، روسیه، ایران و ... گروه بریکس (BRICS) هدایت می شود. این پژوهش استدلال می کند که پس از بحران مالی ۲۰۰۸، اعتماد به دلار و سیستم مالی تحت سلطه آمریکا کاهش یافته و کشور هایی مانند چین با تأکید بر تولید، در حال تقویت جایگاه خود هستند. در مقابل، سیاست های مالی آمریکا، مانند تحریم ها و کنترل سیستم هایی مثل SWIFT، باعث شده کشورهای دیگر به دنبال جایگزین هایی برای دلار باشند. پیش بینی می شود که با ادامه این روندها، سلطه مالی آمریکا تضعیف شده و یک سیستم مالی جدید مبتنی بر ارزهای ملی و همکاری های چند جانبه (به ویژه توسط بریکس) شکل خواهد گرفت. این تحولات، به خصوص با نقش پیشرو چین و ابزار هایی مثل سوآپ و فناوری دیجیتال (مانند بلاکچین)، در حال بازسازی نظم مالی جهانی هستند.

محروق و شهریاری (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان « امکان سنجی بهره گیری از سیاست دلار زدایی در سازمان های بین المللی و منطقه ای در کاهش اثر تحریم ها بر جمهوری اسلامی ایران » استفاده از دلار به عنوان ابزاری برای اعمال تحریم ها، برخی کشور ها را به اتخاذ سیاست دلار زدایی سوق داده است. این سیاست، با توجه به شرایط خاص ایران، به عنوان مسئله اصلی پژوهش حاضر مطرح شده است. در این راستا، سؤال اصلی پژوهش این است که: سیاست دلار زدایی تا چه میزان توانسته در کاهش تأثیر تحریم ها بر جمهوری اسلامی ایران مؤثر باشد؟ این پژوهش با بهره گیری از رویکرد نظری منطقه گرایی متداخل و روش های تحلیل روند و سری زمانی، سه سازمان شانگهای، بریکس و آسه آن را به عنوان مطالعه موردی بررسی کرده است. این سازمان ها دلار زدایی را به مثابه ابزاری در دیپلماسی اقتصادی خود به کار گرفته اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که هم زمان با اجرای سیاست دلار زدایی در این سه سازمان، سطح مبادلات کشور های عضو با ایران، تحت تأثیر تحریم های آمریکا و عدم توجه کافی به بهره گیری از این سیاست، از سال ۲۰۱۸ دچار رکود شده است. بر این اساس، اتخاذ سیاست دلار زدایی به عنوان ابزاری در دیپلماسی اقتصادی ایران می تواند نه تنها موجب رونق تجارت بین المللی ایران شود، بلکه اهداف تحریمی را نیز با چالش مواجه کند.

بوستامی و رامدیانا (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان « استراتژی دلار زدایی آسه آن برای کاهش وابستگی به دلار آمریکا » این پژوهش با هدف تحلیل استراتژی دلار زدایی آسه آن برای کاهش وابستگی به دلار آمریکا در معاملات بین المللی در منطقه جنوب شرق آسیا انجام شده است. این پژوهش از رویکرد کیفی با روش توصیفی-تحلیلی استفاده می کند. در نهایت، نتیجه گیری بر اساس تئوری منطقه گرایی نظارتی و همکاری پولی منطقه ای انجام شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، استراتژی

دلار زدایی آسه آن از طریق چندین روش اجرا می‌شود: سیستم پرداخت منطقه‌ای: ایجاد اتصال بین سیستم‌های پرداخت منطقه‌ای، اجرای مکانیسم معاملات با ارزهای محلی. اشتراک‌گذاری نقدینگی منطقه‌ای: اجرای مکانیسم سوآپ ارزی برای تأمین نقدینگی. هماهنگی نرخ ارز منطقه‌ای: ایجاد دفتر تحقیقات اقتصاد کلان آسه آن، اجرای مکانیسم ارزیابی توازن خارجی، ایجاد مکانیسم ترتیبات سوآپ ارزی آسه آن. توسعه بازارهای مالی منطقه‌ای: ایجاد مجمع بازار سرمایه آسه آن، اجرای چارچوب یکپارچه سازی بانکداری آسه آن، تأسیس مجمع بازار اوراق قرضه آسه آن، راه اندازی صندوق زیر ساخت آسه آن این استراتژی ها تأثیر قابل توجهی بر کاهش وابستگی به دلار آمریکا داشته اند و نشان دهنده تلاش های آسه آن برای تقویت همکاری های پولی و مالی منطقه‌ای هستند. مفهوم دلار زدایی در سال‌های اخیر، به ویژه در میان کشور هایی که با تحریم‌های اقتصادی مواجه‌اند یا به دنبال استقلال پولی بیشتر هستند، مورد توجه فراوان قرار گرفته است. دلارزدایی به فرایند کاهش وابستگی به دلار آمریکا در تجارت بین‌المللی، ذخایر ارزی، و تراکنش‌های مالی داخلی اطلاق می‌شود (Eichengreen, 2011).

هادسون (۲۰۰۳) مفهوم سلطه دلار را به عنوان ساختاری معرفی می‌کند که در آن ایالات متحده با بهره‌گیری از جایگاه ارز ذخیره جهانی، می‌تواند کسری‌های مالی خود را بدون فشار خارجی تأمین کند. در این چارچوب، دلارزدایی به منزله واکنشی راهبردی از سوی کشورها برای حفظ حاکمیت اقتصادی و کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی تلقی می‌شود.

خلا‌های تحقیقاتی

با وجود مطالعات انجام شده، همچنان خلا‌های تحقیقاتی مهمی در این حوزه وجود دارد که می‌تواند زمینه ساز پژوهش‌های جدید باشد:

عدم بررسی جامع تأثیر کاهش وابستگی به دلار بر اقتصاد ایران

بیشتر مطالعات موجود بر اقدامات کوتاه مدت و اثرات تحریم ها متمرکز بوده‌اند و کمتر به پیامد های بلند مدت کاهش وابستگی به دلار برای رشد اقتصادی، تورم، سرمایه‌گذاری خارجی و ثبات بازار ارز پرداخته‌اند.

نبود مدل های کمی برای تحلیل اثرات دلار زدایی

بیشتر پژوهش‌ها جنبه توصیفی داشته‌اند و کمتر به ارائه مدل‌های اقتصادی یا سناریو های کمی برای بررسی اثرات دلاری زدایی بر متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته شده است.

بررسی ناکافی نقش رمز ارز ها و فناوری های نوین مالی

مطالعات کمی به استفاده از فناوری های مالی مانند بلاکچین، رمزارز های ملی و قرارداد های هوشمند برای کاهش وابستگی به دلار پرداخته اند.

بررسی محدود در مورد سیاست های موفق سایر کشور ها و امکان تطبیق آن ها با ایران

اگرچه مطالعاتی در مورد تجربه روسیه، چین و سایر کشور ها در دلاری زدایی وجود دارد، اما کمتر پژوهشی به امکان سنجی تطبیق این سیاست ها با شرایط خاص اقتصاد ایران پرداخته است.

بررسی چالش های حقوقی و سیاسی دلاری زدایی

کمتر مطالعه ای به چالش های حقوقی، بانکی و بین المللی که ممکن است بر اجرای سیاست های کاهش وابستگی به دلار در ایران تأثیر بگذارد، پرداخته است.

اهداف پژوهش:

۱. تحلیل تأثیر کاهش وابستگی به دلار بر تجارت بین المللی ایران.
۲. شناسایی چالش ها و موانع موجود در مسیر دلاری زدایی در ایران.
۳. بررسی استراتژی های مختلفی که ایران می تواند برای کاهش وابستگی به دلار در تجارت خارجی اتخاذ کند.
۴. ارزیابی پیامدهای اقتصادی کاهش وابستگی به دلار بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی، تورم و سرمایه گذاری خارجی.
۵. بررسی نقش فناوری های نوین مالی مانند رمزارزها و بلاکچین در کاهش وابستگی به دلار.

سؤالات پژوهش:

۱. چگونه کاهش وابستگی به دلار می تواند بر تجارت بین المللی ایران تأثیر بگذارد؟
۲. چه چالش ها و موانعی در مسیر اجرای سیاست های دلاری زدایی در ایران وجود دارد؟
۳. کدام استراتژی ها و اقدامات می توانند به ایران در کاهش وابستگی به دلار کمک کنند؟
۴. پیامدهای اقتصادی کاهش وابستگی به دلار برای رشد اقتصادی، تورم، و سرمایه گذاری خارجی در ایران چیست؟
۵. فناوری های نوین مالی مانند رمزارزها و بلاکچین چگونه می توانند در فرآیند دلاری زدایی در ایران نقش ایفا کنند؟

مبانی نظری

مطالعات متعددی انگیزه های دلار زدایی را مورد بررسی قرار داده اند؛ از جمله فشارهای سیاسی و تحریم ها، نوسانات نرخ ارز، و تمایل به تنوع بخشی در ذخایر ارزی (Subramanian & Kessler, 2013; Cohen, 2019) کشورهایی مانند روسیه، چین و

اعضای گروه بریکس اقداماتی همچون پیمان‌های پولی دوجانبه، استفاده از سیستم‌های پرداخت جایگزین مانند CIPS و SPFS، و توسعه ارزهای دیجیتال ملی را در پیش گرفته‌اند تا از ساختار دلاری سیستم مالی جهانی فاصله بگیرند. در مورد ایران، تحقیقات صورت گرفته توسط حشمت و توسلی (۱۳۹۹) و شفیع و همکاران (۱۴۰۱) به چالش‌های ناشی از تحریم‌های ایالات متحده و محدودیت دسترسی به شبکه‌هایی نظیر سوئیفت پرداخته‌اند. پیشنهاد‌های آن‌ها شامل تقویت روابط تجاری منطقه‌ای، استفاده از ارزهای غیر دلاری و سرمایه گذاری در زیرساخت‌های مالی جدید است. همچنین، نقش فناوری‌های نوین مالی مانند رمزارزها و بلاک‌چین به‌طور روزافزونی در ادبیات موضوعی مطرح شده است. کاتالینی و گنز (۲۰۱۶) و تاپسکات و تاپسکات (۲۰۱۶) تأکید دارند که این فناوری‌ها با فراهم کردن بسترهای مالی غیرمتمرکز و مقاوم در برابر تحریم، می‌توانند مسیرهای جدیدی برای کشورهایی مانند ایران ایجاد کنند تا تجارت بین‌المللی خود را خارج از نفوذ مالی ایالات متحده توسعه دهند. با وجود گسترش مطالعات در این حوزه، هنوز پژوهش جامعی که به‌صورت چندبعدی به پیامدهای اقتصادی، مسیرهای راهبردی و نقش فناوری‌های نوین در دلارزدایی ایران بپردازد، دیده نمی‌شود. پژوهش حاضر تلاش دارد این خلأ را با تمرکز بر پنج پرسش اصلی پژوهش، پوشش دهد و تصویری روشن از فرصت‌ها و چالش‌های دلارزدایی در اقتصاد ایران ارائه کند. برای درک بهتر ضرورت کاهش اتکا به دلار در تجارت بین‌الملل ایران، ابتدا باید مفاهیم نظری مرتبط با نقش ارزها در اقتصاد جهانی و مکانیسم‌های تسلط ارز را بررسی کرد.

مفهوم دلار زدایی

دلار زدایی به معنای کاهش استفاده از دلار در تجارت جهانی و معاملات مالی است که در نتیجه آن، تقاضای ملی، نهادی و شرکتی برای دلار کاهش می‌یابد. این امر می‌تواند تسلط بازارهای سرمایه جهانی که با دلار آمریکا اداره می‌شوند را کاهش دهد.

در این پژوهش به ۲ نظریه در مورد دلار زدایی می‌پردازیم تا این مفهوم را به طور کامل درک نمایید:

۲،۱. نظریه برابری قدرت خرید (PPP - Purchasing Power Parity)

این نظریه بیان می‌کند که نرخ ارز هر کشور برابر است با نسبت سطح عمومی قیمت‌های داخلی به سطح عمومی قیمت‌های خارجی. مطابق این نظریه، تفاوت تورم کشور با تورم خارجی باید در نرخ ارز منعکس شود و عملاً در میان مدت و بلند مدت تا حد قابل ملاحظه‌ای این تبعیت نرخ ارز از تفاوت تورم داخل و خارج اتفاق خواهد افتاد.

۲,۲. نظریه ریسک نوسانات نرخ ارز و مدیریت آن

در ادبیات مالی، ریسک نوسانات نرخ ارز به عنوان یکی از ریسک‌های مهم سیستماتیک تلقی می‌شود. عدم اطمینان از میزان نوسانات ارز می‌تواند جریان‌های مالی بنگاه‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، مدیریت این ریسک به عنوان یکی از وظایف مهم مدیران مالی بنگاه‌ها به شمار می‌آید.

شرایطی که کشورها را به سمت دلار زدایی سوق می‌دهد

دلارزدایی به فرآیند کاهش وابستگی یک کشور به دلار آمریکا در ذخایر خارجی، تجارت بین‌المللی و سیستم‌های مالی داخلی اشاره دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که کشورها در شرایط خاصی این سیاست را دنبال می‌کنند. عوامل کلیدی دلارزدایی عبارتند از:

۱. تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی از سوی آمریکا

یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های دلار زدایی، استفاده آمریکا از دلار به عنوان ابزار فشار ژئوپلیتیکی است. کشورهایی که تحت تحریم‌های مالی قرار می‌گیرند، برای دور زدن محدودیت‌ها و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی، به سمت حذف دلار از نظام مالی خود می‌روند.

۲. نوسانات شدید بازار ارز و بی‌ثباتی در ارزش دلار

وقتی ارزش دلار به‌طور مداوم دچار نوسان شود، کشورها برای حفظ ثبات اقتصادی، ترجیح می‌دهند از ارزهای جایگزین یا سبد ارزی متنوع استفاده کنند تا ریسک نوسانات را کاهش دهند.

۳. ظهور قدرت‌های اقتصادی جایگزین

با رشد اقتصادی چین، هند، روسیه و بلوک‌های منطقه‌ای مانند بریکس، کشورهای بیشتری به سمت استفاده از ارزهای غیر دلاری مانند یوان، یورو، و حتی ارزهای دیجیتال بومی برای انجام مبادلات تجاری سوق پیدا می‌کنند.

کاهش وابستگی به دلار می‌تواند تأثیرات مهمی بر تجارت بین‌المللی ایران داشته باشد:

تنوع‌بخشی به شرکای تجاری: با استفاده از ارزهای جایگزین (مانند یورو، یوان یا ارزهای محلی) یا سیستم‌های تهاتری، ایران می‌تواند روابط تجاری خود را با کشورهایی که کمتر با سیاست‌های آمریکا همسو هستند، مانند چین، روسیه یا هند، تقویت کند. این امر می‌تواند آسیب‌پذیری ایران در برابر تحریم‌های آمریکا که از سیستم‌های مبتنی بر دلار مانند سوئیفت استفاده می‌کنند، کاهش دهد.

کاهش ریسک تحریم‌ها: کنار گذاشتن دلار به ایران امکان می‌دهد تا از شبکه‌های مالی تحت سلطه دلار دور بماند و تأثیر تحریم‌های مالی را کم کند. افزایش هزینه‌های مبادله در کوتاه مدت: استفاده از ارزهای دیگر ممکن است در ابتدا هزینه‌های تبدیل ارز و پیچیدگی‌های لجستیکی را افزایش دهد، زیرا دلار همچنان ارز غالب در تجارت جهانی است.

تقویت تجارت منطقه‌ای: ایران می‌تواند با تمرکز بر تجارت با کشورهای همسایه و استفاده از توافق‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه، وابستگی به نظام مالی دلارمحور را کاهش دهد.

چالش‌های پذیرش جهانی: بسیاری از کالاهای کلیدی مانند نفت همچنان به دلار قیمت‌گذاری می‌شوند. کاهش وابستگی به دلار نیازمند ایجاد زیرساخت‌های مالی جدید و جلب اعتماد شرکای تجاری برای استفاده از ارزهای دیگر است.

چالش‌ها و موانع دلار زدایی در ایران

دلارزدایی، به معنای کاهش وابستگی به دلار آمریکا در تجارت بین‌المللی و ذخایر مالی ایران، با وجود مزایای بالقوه، با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه است. در ادامه، این موانع به طور خلاصه و با رفرنس‌دهی به سبک APA بررسی می‌شوند:

تسلط جهانی دلار در تجارت و قیمت‌گذاری: دلار همچنان ارز اصلی برای قیمت‌گذاری کالاهای استراتژیک مانند نفت و گاز است که بخش عمده صادرات ایران را تشکیل می‌دهند. متقاعد کردن شرکای تجاری برای پذیرش ارزهای دیگر زمان‌بر و پیچیده است. (Eichengreen, 2018)

محدودیت‌های زیرساختی مالی: ایران فاقد سیستم‌های پرداخت بین‌المللی قوی و جایگزین مانند سوئیفت است. سیستم‌هایی مانند INSTEX یا CIPS هنوز در مراحل ابتدایی توسعه هستند و پذیرش جهانی محدودی دارند (Geranmayeh & Rapnouil, 2019).

هزینه‌های تبدیل ارز و ریسک‌های مالی: استفاده از ارزهای غیر دلاری می‌تواند هزینه‌های تبدیل ارز، نوسانات نرخ ارز، و پیچیدگی‌های حسابداری را افزایش دهد، به‌ویژه در معاملات با کشورهایی که همچنان به دلار وابسته‌اند. (Cohen, 2019)

فشارهای ژئوپلیتیکی و تحریم‌ها: تلاش برای دلارزدایی ممکن است واکنش‌های شدیدتری از سوی آمریکا و متحدانش به دنبال داشته باشد، از جمله تحریم‌های ثانویه که شرکای تجاری ایران را هدف قرار می‌دهند. (Katzman, 2021)

عدم اعتماد شرکای تجاری: بسیاری از کشورها به دلیل نگرانی از نقدینگی پایین یا بی‌ثباتی ارزهای جایگزین (مانند یوان یا روبل) تمایل کمی به استفاده از آن‌ها دارند. این موضوع پذیرش جهانی ارزهای غیر دلاری را محدود می‌کند (Prasad, 2017).

چالش‌های داخلی: ضعف هماهنگی بین نهادهای اقتصادی ایران، کمبود منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دلارزدایی، و مشکلات مدیریت اقتصادی می‌توانند این فرآیند را کند کنند (Hakimian, 2020).

استراتژی های مؤثر برای کاهش وابستگی به دلار در ایران

کاهش وابستگی به دلار آمریکا در تجارت و نظام مالی ایران می تواند به افزایش خودکفایی اقتصادی و مقاومت در برابر تحریم ها منجر شود. اجرای این هدف نیازمند برنامه ریزی هوشمندانه و هماهنگ است. در ادامه، هفت استراتژی کلیدی برای دلارزدایی در ایران با رفرنس دهی به سبک APA و با جملات و ساختار متفاوت ارائه می شود:

انعقاد پیمان های تجاری دوجانبه و چندجانبه: ایران می تواند با کشورهای نظیر چین، هند، ترکیه یا روسیه قراردادهایی برای استفاده از ارزهای ملی یا مبادله کالایی امضا کند تا وابستگی به دلار کاهش یابد و همکاری های منطقه ای گسترش یابد (Prasad, 2017).

ایجاد زیرساخت های پرداخت غیر دلاری: سرمایه گذاری در سامانه های پرداخت بین المللی مانند CIPS چین یا SPFS روسیه و تقویت سیستم های داخلی مانند سپام می تواند جایگزینی برای شبکه های دلاری مانند سوئیفت باشد (Geranmayeh & Rapnouil, 2019).

گسترش تنوع در ذخایر ارزی: افزایش استفاده از ارزهای غیر دلاری مانند یورو، یوان یا حتی طلا در ذخایر ارزی ایران می تواند خطرات ناشی از تحریم ها و نوسانات دلار را کم کند، البته با مدیریت مالی دقیق (Eichengreen, 2018).

تشویق به قیمت گذاری صادرات با ارزهای دیگر: ایران می تواند با مذاکره با خریداران عمده، صادرات اصلی خود مانند نفت را با ارزهایی مانند یورو یا یوان تسویه کند، هرچند این امر نیازمند جلب اعتماد شرکاست (Cohen, 2019).

تعمیق همکاری های منطقه ای: پیوستن به سازمان هایی مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا یا تقویت حضور در سازمان همکاری شانگهای می تواند فضایی برای تجارت بدون دلار ایجاد کند و پیوند ایران با اقتصادهای غیرغربی را مستحکم تر سازد (Hakimian, 2020).

ارتقای فناوری مالی و آموزش: بهره گیری از فناوری هایی مانند بلاک چین برای تراکنش های فرامرزی و آموزش نهادهای مالی برای مدیریت معاملات غیر دلاری می تواند فرآیند دلار زدایی را تسهیل کند (Prasad, 2017).

کاهش وابستگی به واردات از طریق تولید داخلی: حمایت از صنایع داخلی برای افزایش خوداتکایی و کاهش نیاز به کالاهای وارداتی که با دلار خریداری می شوند، می تواند وابستگی به نظام مالی جهانی را کم کند (Hakimian, 2020).

نتیجه گیری: کاهش وابستگی به دلار در ایران مستلزم تلفیقی از دیپلماسی اقتصادی، تقویت زیرساخت های مالی، و اصلاحات داخلی است. اجرای دقیق این راهکارها می تواند اقتصاد ایران را در برابر فشارهای خارجی مقاوم تر کند و خودکفایی مالی را ارتقا دهد.

پیامدهای اقتصادی کاهش وابستگی به دلار در ایران

کاهش وابستگی به دلار آمریکا، یا همان دلارزدایی، می‌تواند اثرات اقتصادی متنوعی برای ایران به همراه داشته باشد، از تقویت خودکفایی مالی تا ایجاد چالش‌های جدید. این پیامدها در حوزه‌های تجارت، سیاست‌های ارزی، و پایداری اقتصادی بررسی می‌شوند. در ادامه، هفت پیامد کلیدی با جملات و ساختار متفاوت نسبت به پاسخ قبلی و با رفرنس‌دهی به سبک APA ارائه می‌شود:

ارتقای خودمختاری مالی: کنار گذاشتن دلار می‌تواند ایران را از فشار تحریم‌های مالی آمریکا مصون‌تر کند. با بهره‌گیری از ارزهای ملی یا روش‌های تهاتر، ایران قادر خواهد بود تجارت خود را با شرکایی مانند چین یا هند ادامه دهد و وابستگی به سیستم‌های دلاری نظیر سوئیفت را کم کند. (Geranmayeh & Rapnouil, 2019)

محافظت در برابر نوسانات دلار: افزایش استفاده از ارزهای دیگر مانند یوان یا طلا در ذخایر ارزی می‌تواند اقتصاد ایران را از تغییرات سیاست‌های پولی آمریکا و بی‌ثباتی دلار حفظ کند، البته به شرط مدیریت هوشمندانه. (Eichengreen, 2018)

بالا رفتن هزینه‌های ترانکشن در ابتدا: استفاده از ارزهای غیر دلاری ممکن است پیچیدگی‌های مالی، هزینه‌های تبدیل ارز، و دشواری‌های عملیاتی را در کوتاه‌مدت افزایش دهد، زیرا دلار همچنان ارز اصلی در بازارهای جهانی است. (Cohen, 2019)

گسترش پیوندهای تجاری منطقه‌ای: دلارزدایی می‌تواند ایران را به تقویت روابط اقتصادی با کشورهای همسایه و منطقه تشویق کند، که نتیجه آن دسترسی به بازارهای جدید و کاهش وابستگی به اقتصادهای غربی خواهد بود. (Hakimian, 2020)

مشکلات تسویه صادرات کلیدی: از آنجا که کالاهایی مانند نفت عمدتاً با دلار ارزش‌گذاری می‌شوند، تغییر به ارزهای دیگر ممکن است با مقاومت شرکای تجاری مواجه شود و بر درآمدهای صادراتی ایران اثر منفی بگذارد. (Prasad, 2017)

نیاز به تقویت نظام مالی داخلی: اجرای دلارزدایی مستلزم ایجاد سامانه‌های پرداخت جدید و بهبود زیرساخت‌های بانکی است، که ممکن است در کوتاه‌مدت هزینه‌های قابل‌توجهی برای اقتصاد کشور ایجاد کند. (Geranmayeh & Rapnouil, 2019)

ریسک بی‌ثباتی اقتصادی: در صورت عدم برنامه‌ریزی دقیق، جابه‌جایی به ارزهای جایگزین ممکن است نوسانات ارزی را تشدید کند و به افزایش نرخ تورم منجر شود، به‌خصوص اگر اعتماد شرکای تجاری به این ارزها محدود باشد. (Hakimian, 2020)

نقش رمز ارزها و بلاک چین در دلار زدایی در ایران

رمزارزها و فناوری بلاک‌چین به‌عنوان ابزارهایی نوظهور، پتانسیل بالایی برای کمک به کاهش وابستگی به دلار آمریکا (دلارزدایی) در اقتصاد ایران دارند. این فناوری‌ها می‌توانند با ایجاد بسترهای مالی غیرمتمرکز و مستقل از نظام‌های دلاری،

به ایران در دور زدن تحریم‌ها و تقویت تجارت بین‌المللی کمک کنند. در ادامه، نقش‌های کلیدی رمزارزها و بلاک‌چین در دلارزدایی با رفرنس‌دهی به سبک APA بررسی می‌شوند:

تسهیل تراکنش‌های فرامرزی بدون واسطه: بلاک‌چین امکان انجام تراکنش‌های مستقیم و غیرمتمرکز را فراهم می‌کند، که می‌تواند وابستگی به سیستم‌های مالی تحت کنترل آمریکا مانند سوئیفت را کاهش دهد. رمزارزهایی مانند بیت‌کوین یا استیبل‌کوین‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزار پرداخت جایگزین عمل کنند (Nakamoto, 2008).

کاهش تأثیر تحریم‌های مالی: رمزارزها به دلیل ماهیت غیرمتمرکز خود، می‌توانند به ایران کمک کنند تا از محدودیت‌های بانکی و تحریم‌های ثانویه آمریکا عبور کند. این امر به‌ویژه برای تجارت با کشورهایی که مایل به همکاری غیر دلاری هستند، مفید است. (Swan, 2015)

ایجاد بسترهای تجاری مستقل: بلاک‌چین می‌تواند قراردادهای هوشمند را برای تجارت بین‌المللی فعال کند، که بدون نیاز به ارزهای سنتی مانند دلار، معاملات را شفاف و خودکار می‌کند. این قابلیت به ایران امکان می‌دهد تا با شرکای منطقه‌ای خود سیستم‌های تهاتری دیجیتال ایجاد کند. (Tapscott & Tapscott, 2016)

تنوع‌بخشی به ابزارهای مالی: استفاده از رمزارزها به‌عنوان بخشی از ذخایر مالی یا ابزار تسویه می‌تواند وابستگی به دلار را در ذخایر ارزی کاهش دهد. برای مثال، استیبل‌کوین‌های متصل به یوان یا طلا می‌توانند جایگزین‌هایی پایدار باشند (Mougayar, 2016).

افزایش اعتماد در تجارت غیر دلاری: بلاک‌چین با ارائه شفافیت و امنیت بالا، می‌تواند اعتماد شرکای تجاری ایران به سیستم‌های غیر دلاری را تقویت کند، به‌ویژه در مواردی که ارزهای ملی شرکا بی‌ثبات هستند (Antonopoulos, 2017)

روش‌شناسی

این پژوهش از رویکردی توصیفی-تحلیلی با طراحی کیفی بهره می‌گیرد و هدف آن بررسی عوامل محرک، چالش‌ها، راهبردها و پیامدهای اقتصادی کاهش وابستگی به دلار (دلارزدایی) در تجارت بین‌المللی ایران است. ساختار روش‌شناسی این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

۳،۱. رویکرد و طراحی پژوهش

این مطالعه با اتخاذ رویکرد کیفی و اکتشافی به بررسی ابعاد مختلف پدیده دلارزدایی می‌پردازد. از آنجا که موضوع پژوهش دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فناورانه است، از یک تحلیل مفهومی چندرشته‌ای بهره گرفته شده تا دیدگاه‌هایی از حوزه‌های اقتصاد پولی، مالی بین‌الملل و مطالعات ژئوپلیتیکی ترکیب گردد.

۳،۲. روش گردآوری داده‌ها

داده‌های پژوهش از طریق منابع دست دوم گردآوری شده‌اند، شامل:

مقالات علمی چاپ‌شده در مجلات معتبر گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند IMF، بانک جهانی، BIS یادداشت‌های سیاستی و مقالات مؤسسات پژوهشی مانند Peterson Institute، Elcano Institute گزارش‌های نهاد‌های دولتی ایران و مراکز پژوهشی اقتصادی مطالعات موردی کشورهایی مانند چین، روسیه، ترکیه و اعضای آسه‌آن

۳,۳. چارچوب تحلیل

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای موضوعی استفاده شده است؛ به‌گونه‌ای که محورهای اصلی پژوهش بر اساس سؤالات تحقیق طبقه‌بندی شده‌اند. در این فرآیند:

ادبیات نظری بر پایه مفاهیمی مانند سلطه دلار و استقلال پولی سازمان‌دهی شده

یافته‌های تجربی از مطالعات موردی استخراج گردیده

راهبرد‌های جهانی با شرایط اقتصادی ایران مقایسه و تطبیق داده شده

در نهایت، چارچوبی راهبردی برای سیاست‌گذاری استخراج شده است

۳,۴. استفاده از مطالعات موردی

مطالعات موردی کشورهایی که به‌نوعی سیاست دلارزدایی را اجرا کرده‌اند نظیر سامانه CIPS چین، SPFS روسیه، ساز و کارهای منطقه‌ای آسه‌آن، و همچنین INSTEX در ایران برای درک بهتر و اعتباربخشی به تحلیل‌ها به‌کار گرفته شده‌اند. این مطالعات به تعمیم‌پذیری نتایج کمک می‌کنند و مسیرهای عملی ممکن برای ایران را نشان می‌دهند.

۳,۵. محدودیت‌ها

با وجود بهره‌گیری از تجربیات متنوع جهانی، ماهیت کیفی این پژوهش می‌تواند دامنه تعمیم نتایج را محدود کند. همچنین، به‌دلیل محدودیت‌های بین‌المللی و شفافیت پایین نظام آماری داخلی، دسترسی به داده‌های دقیق و به‌روز از وضعیت مالی ایران نیز با چالش‌هایی مواجه بوده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل محتوای نظریات، مطالعات موردی جهانی، و بررسی ساختار اقتصادی ایران، به پنج محور اصلی تقسیم می‌شود که هم‌راستا با سؤالات پژوهش می‌باشند.

۴,۱. تأثیر کاهش وابستگی به دلار بر تجارت بین‌المللی ایران

کاهش وابستگی به دلار می‌تواند ظرفیت ایران برای گسترش همکاری‌های تجاری با کشورهای همسو و غیروابسته به نظام مالی غرب را افزایش دهد. تجارب کشورهای مانند چین و روسیه نشان می‌دهد که استفاده از ارزهای محلی یا توافقات دوجانبه می‌تواند تجارت را از سلطه دلار خارج کند. در ایران، استفاده از سازوکارهایی مانند تهاتر کالایی یا ابزارهایی نظیر INSTEX و CIPS پتانسیل کاهش ریسک تحریم‌های مالی و افزایش امنیت مبادلات را دارد. همچنین تمرکز بر بازارهای منطقه‌ای مانند عراق، ترکیه، پاکستان و آسیای میانه می‌تواند جایگزینی قابل اتکا برای کانال‌های دلاری باشد.

۴,۲. چالش‌ها و موانع دلارزدایی در ایران

دلارزدایی در ایران با مجموعه‌ای از موانع درونی و بیرونی مواجه است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ساختار صادراتی دلاری به‌ویژه در حوزه نفت و گاز

فقدان زیرساخت‌های جایگزین بانکی و مالی بین‌المللی

نبود هماهنگی نهادی میان نهادهای سیاست‌گذار اقتصادی

محدودیت اعتماد تجاری به ارزهای جایگزین

افزون بر این، فشارهای ژئوپلیتیکی و تحریم‌های ثانویه، شرکای بالقوه ایران را نیز در انجام مبادلات غیردلاری محتاط کرده‌اند.

۴,۳. استراتژی‌های مؤثر برای دلارزدایی در ایران

یافته‌ها نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند در کاهش وابستگی به دلار مؤثر باشد:

- گسترش توافقات پولی دوجانبه و چندجانبه با کشورهایی مانند چین، روسیه، هند و ترکیه
- توسعه سیستم‌های پرداخت مستقل از سوئیفت مانند سپام، CIPS یا SPFS
- تنوع‌بخشی به ذخایر ارزی با استفاده از یورو، یوان، روبل یا حتی طلا
- حمایت از قیمت‌گذاری صادرات با ارزهای غیردلاری
- تعمیق همکاری در قالب سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای
- سرمایه‌گذاری در فناوری‌های مالی نوین مانند بلاک‌چین

۴,۴. پیامدهای اقتصادی دلارزدایی برای ایران

کاهش وابستگی به دلار می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای به همراه داشته باشد:

- افزایش خودکفایی پولی و مالی در برابر شوک‌های خارجی.
- کاهش آسیب‌پذیری ناشی از تحریم‌های دلاری.
- تسهیل جذب سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهایی غیر از غرب.
- اما در کوتاه‌مدت می‌تواند به افزایش هزینه‌های مبادله و نوسانات نرخ ارز منجر شود.

از این‌رو، اجرای تدریجی و هوشمندانه سیاست‌های دلارزدایی اهمیت بالایی دارد.

۴,۵. نقش رمزارزها و بلاک‌چین در فرآیند دلار زدایی

فناوری‌های غیرمتمرکز مانند رمزارزها و بلاک‌چین در سال‌های اخیر به‌عنوان جایگزینی مستقل از نظام مالی سنتی مطرح شده‌اند. در ایران نیز استفاده از این ابزارها می‌تواند:

- امکان تراکنش‌های بین‌المللی بدون واسطه فراهم آورد.
- دور زدن تحریم‌های بانکی را تسهیل کند.
- اعتماد در تجارت غیر دلاری را از طریق شفافیت بلاک‌چین افزایش دهد.
- به‌ویژه در مبادلات با کشورهای همسایه یا دارای ارزهای پریسک، نقش این فناوری‌ها چشمگیرتر خواهد بود.

بحث

۵. بحث و تحلیل

نتایج این پژوهش در پاسخ به سؤالات اصلی، نشان می‌دهد که کاهش وابستگی به دلار می‌تواند برای اقتصاد ایران مزایای قابل توجهی به همراه داشته باشد، مشروط بر آنکه این روند با رویکردی تدریجی، نهادمند و فناورانه اجرا شود.

۵,۱. تحلیل نتایج در ارتباط با سؤالات پژوهش

در پاسخ به سؤال نخست، یافته‌ها نشان داد که کاهش وابستگی به دلار می‌تواند باعث تنوع‌بخشی به روابط تجاری ایران شود و امکان توسعه همکاری با کشورهایی مانند چین، هند، روسیه و کشورهای منطقه را فراهم آورد. این تحلیل با ادبیات موجود از جمله مطالعات Subramanian & Kessler (2013) و Prasad (2017) هم‌راستا است که بر نقش تنوع ارزی در افزایش تاب‌آوری اقتصادهای تحت فشار تأکید دارند.

سؤال دوم درباره چالش‌ها و موانع دلارزدایی نیز به‌خوبی در یافته‌ها منعکس شد؛ از جمله فقدان زیرساخت‌های مالی، سلطه دلار در بازار نفت، و ضعف در هماهنگی سیاستی. این چالش‌ها در مطالعات (2011) Eichengreen و Mahrouq (2024) Shahriyari نیز مشاهده شده است.

در سؤال سوم، بررسی استراتژی‌ها نشان داد که توافقات دوجانبه، توسعه سیستم‌های پرداخت مستقل، و استفاده از فناوری‌هایی مانند بلاک‌چین، مسیرهایی عملی و کم‌هزینه‌تر برای ایران هستند. این راهبردها با تجارب موفق روسیه، چین و آسه‌آن هم‌خوانی دارند.

در پاسخ به سؤال چهارم، پیامدهای اقتصادی مانند افزایش استقلال مالی، جذب سرمایه غیرغربی و گسترش تجارت منطقه‌ای، در کنار هزینه‌های انتقالی در کوتاه‌مدت (مانند افزایش هزینه‌های مبادله)، شناسایی شد.

پرسش پنجم نیز به نقش فناوری‌های نوین پرداخت که نشان دادند چگونه رمز ارزها و بلاک چین می‌توانند جایگزین‌هایی امن، شفاف و غیرقابل تحریم برای تراکنش‌های بین‌المللی ایجاد کنند، همان‌طور که در تحقیقات Catalini & Gans (2016) تأکید شده است.

۵,۲. پیامدها و مزایای کلیدی پژوهش

- افزایش استقلال پولی و مالی در برابر نظام مالی تحت سلطه دلار
- کاهش آسیب‌پذیری تحریمی و افزایش امکان تجارت با شرکای غیردلاری
- ارتقاء توان سیاست‌گذاری اقتصادی در سطح ملی
- توسعه زیرساخت‌های فناورانه نوین در نظام بانکی
- گسترش روابط اقتصادی منطقه‌ای و کاهش وابستگی به غرب

۵,۳. محدودیت‌های پژوهش

- کمبود داده‌های رسمی و به‌روز درباره تبادلات مالی غیردلاری در ایران
- دسترسی محدود به تجربیات اجرایی محرمانه کشورها در فرآیند دلارزدایی
- عدم وجود سیاست‌های مشخص ارزی در سطح کلان در ایران
- ماهیت کیفی تحقیق که تعمیم‌پذیری عددی نتایج را محدود می‌کند

نوآوری این پژوهش در آن است که موضوع دلارزدایی را با ترکیب سه بُعد اقتصادی، فناورانه و سیاسی و با تمرکز بر ایران بررسی می‌کند و در عین حال، نقش بلاک‌چین و رمز ارزها را به‌عنوان یک متغیر راهبردی جدید وارد چارچوب تحلیل می‌سازد.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها، راهبردها و پیامدهای اقتصادی کاهش وابستگی ایران به دلار در تجارت بین‌المللی انجام شد و تلاش کرد ابعاد ساختاری و فناورانه این موضوع را تحلیل کند. یافته‌ها نشان داد که دلارزدایی، نه تنها یک واکنش راهبردی به تحریم‌های مالی است، بلکه می‌تواند مسیری برای افزایش استقلال اقتصادی و تقویت پیوندهای منطقه‌ای باشد.

جمع‌بندی نکات کلیدی

- کاهش وابستگی به دلار می‌تواند زمینه‌ساز گسترش روابط تجاری ایران با اقتصادهای غیرغربی شود.
- برای موفقیت این سیاست، باید بر چالش‌های زیرساختی، نهادی و ژئوپلیتیکی فائق آمد.
- مجموعه‌ای از راهبردهای عملی نظیر توافقات پولی دوجانبه، توسعه زیرساخت‌های پرداخت غیردلاری، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌توانند فرآیند دلارزدایی را تسهیل کنند.
- اثرات اقتصادی دلارزدایی ترکیبی از فرصت و تهدید است: در بلندمدت به افزایش استقلال مالی منجر می‌شود، اما در کوتاه‌مدت ممکن است هزینه‌های تراکنشی و نوسانات ارزی را افزایش دهد.
- فناوری‌های نوظهوری مانند رمزارزها و بلاک‌چین می‌توانند ابزارهایی مؤثر برای عبور از سلطه نظام مالی دلاری و کاهش اثر تحریم‌ها باشند.
- این مطالعه بر اهمیت عملی تنوع‌بخشی ارزی در تجارت خارجی، توسعه زیرساخت‌های مالی جایگزین، و بهره‌گیری از ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای تأکید دارد.

پیشنهاد‌هایی برای تحقیقات آتی

۱. انجام تحلیل‌های کمی و مدل‌سازی اقتصادی برای ارزیابی دقیق‌تر اثرات دلارزدایی بر شاخص‌های کلان اقتصاد ایران
 ۲. مطالعات تطبیقی بین ایران و سایر کشورهایی که تجربه دلارزدایی داشته‌اند (مانند روسیه، ونزوئلا یا ترکیه)
 ۳. بررسی نقش ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) در آینده راهبرد پولی ایران
 ۴. مطالعه چالش‌های حقوقی، فنی و نهادی در مسیر ادغام رمزارزها و بلاک‌چین در نظام مالی کشور
- تأکید بر اهمیت یافته‌ها و کاربردهای عملی

یافته‌های این پژوهش از نظر عملی، می‌تواند به‌عنوان یک راهنمای سیاست‌گذاری برای نهادهای اقتصادی و تصمیم‌گیران ارشد کشور مورد استفاده قرار گیرد. سیاست‌هایی مانند: توسعه ابزارهای پرداخت بین‌المللی مستقل از دلار، تنوع‌بخشی به ارزهای تسویه تجاری، بهره‌گیری از رمزارزها و بلاک‌چین در تجارت خارجی و تعمیق روابط منطقه‌ای اقتصادی. می‌توانند از

همین پژوهش الهام گرفته و در اسناد برنامه‌ریزی اقتصادی کشور گنجانده شوند. اهمیت این یافته‌ها در شرایطی بیشتر نمایان می‌شود که ایران در معرض فشارهای ارزی، محدودیت‌های بانکی و تحریم‌های گسترده قرار دارد. بر این اساس، این پژوهش نه تنها از لحاظ نظری دارای ارزش افزوده است، بلکه از نظر کاربردی نیز ابزاری برای افزایش مقاومت اقتصاد ایران در برابر فشارهای بین‌المللی به شمار می‌رود.

منابع:

Abolhasani Hastiani, Elmi Moghadam, Mansouri, Amini Milani, & Minoo. (2023). Investigating the impact of financial and trade sanctions on the exchange rate in Iran (fuzzy approach). *Financial Economics*, 17 (63), 49-94.

Antonopoulos, A. M. (2017). *Mastering Bitcoin: Programming the open blockchain* (2nd ed.). O'Reilly Media.

Beaujouan, J., & Rasheed, A. (2020). The Syrian refugee crisis in Jordan and Lebanon: Impact and implications. *Middle East Policy*, 27(3), 76-98.

Bustami, S. Y., & Ramdiana, L. R. (2024, December). ASEAN De-dollarization Strategy to reduce dependence on the US Dollar. In *Proceedings of Sunan Ampel International Conference of Political and Social Sciences* (Vol. 2, pp. 362-382).

Butt, J. S. (2024). From Dollar Dependency to BRICS Autonomy: Legal and Economic Impacts on Global Trade Governance. *Acta Universitatis Danubius. Œconomica*, 20(6).

Cohen, B. J. (2012). *The future of global currency: the euro versus the dollar*. Routledge.

Cohen, B. J. (2015). *Currency power: Understanding monetary rivalry*. Princeton University Press.

Eichengreen, B., Mehl, A., & Chitu, L. (2018). *How global currencies work: past, present, and future*. Princeton University Press.

Eichengreen, B. (2021). The dollar and its discontents. *Seoul Journal of Economics*, 34(1).

"Explained: What Is De dollarization & Why Are Countries Dumping the US Dollar?". *India Times*. April 17, 2023.

Gans, J. S. (2016). *Some Simple Economics of the Blockchain*.

Geranmayeh, E. (2019). Meeting the challenge of secondary sanctions.

Hudson, M. (2003). *Super imperialism. The Origins and Fundamentals of US World Dominance*.

Idris, F. N., Dzaky, A. M., Fadhlurrahman, R. H., & Hafsari, S. (2022). Hegemoni Dolar Dan potensi Kemunculan Mata Uang BRICS. *Emerald: Journal of Economics and Social Sciences*, 1(1), 19-30.

- Kuehnlenz, S., Orsi, B., & Kaltenbrunner, A. (2023). Central bank digital currencies and the international payment system: The demise of the US dollar?. *Research in International Business and Finance*, 64, 101834.
- Katzman, K. (2021). Iran sanctions (Report No. RS20871). Congressional Research Service.
- Krugman and Obstfeld (2009). *International Economics*. Pearson Education, Inc.
- Latıfoğlu, S. The Shattering Dominance of the US Dollar and the Establishment of a New Financial System.
- Mahroogh, & Shahriari. (2024). Feasibility study of using de-dollarization policy in international and regional organizations to reduce the impact of sanctions on the Islamic Republic of Iran. *Journal of Political Science*, 20 (2), 541-570.
- Mougayar, W. (2016). *The business blockchain: promise, practice, and application of the next Internet technology*. John Wiley & Sons.
- Nakamoto, S. (2008). Bitcoin: A peer-to-peer electronic cash system.
- Russell, S. (1991). The US currency system: a historical perspective. *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, 73(5), 34-61.
- Swan, M. (2015). *Blockchain: Blueprint for a new economy*. " O'Reilly Media, Inc."
- Otero-Iglesias, M., & Steinberg, F. (2014). Is the dollar becoming riskier? Elcano Royal Institute.
- Prasad, E. S. (2017). *Gaining currency: The rise of the renminbi*. Oxford University Press.
- Sahabi, Zolfaghari, Mehregan, & Saranja. (2014). Investigating the types of exchange rate volatility risks and their management methods: Theoretical foundations and review of countries' experiences. *Quarterly Journal of Planning and Budgeting*, 19 (4), 3-34.
- Subramanian, A., & Kessler, M. (2013). The renminbi bloc is here: Asia down, rest of the world to go. *Journal of Globalization and Development*, 4(1), 49-94.
- Shahriari. (2024). Feasibility study of de-dollarization in the Iranian economy based on membership in the BRICS organization. *Iranian Journal of International Politics*, 12 (2).
- Tapscott, D., & Tapscott, A. (2016). *Blockchain revolution: how the technology behind bitcoin is changing money, business, and the world*. Penguin.